



سهبار در دوماه؛ ایران خودرو دوباره قیمت‌ها را بالا برد

بازی با جیب مردم

افزایش های بیابیی قیمت توسط ایران خودرو بازی دوسر سود برای ایران خودرو و دوسر ضرر برای مردم است



مونا موسوی

هفت صبح



در دوماه گذشته، شرکت ایران خودرو سه بار اقدام به افزایش قیمت محصولات خود کرده است؛ روندی که با واکنش نهادهای نظارتی و قانون گذار مواجه شده و اکنون به یکی از پرونده‌های حساس در حوزه صنعت خودرو تبدیل شده است. کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی با ورود به این موضوع، از سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان خواسته است تا ابعاد این افزایش قیمت را بررسی کند. بر اساس دستور این کمیسیون، ایران خودرو موظف است تا زمان اعلام نتیجه بررسی، هر گونه افزایش قیمت را متوقف کند.

این دستور در حالی صادر شده که پیش‌تر هیئت‌مدیره ایران خودرو و نیز طلی نامه‌ای رسمی به سازمان بورس، خواستار توقف نمود معاملات این شرکت شده بود. در اقدامی که نشان می‌دهد در درون ساختار شرکتی نیز برنامه‌ریزی گسترده‌ای برای نوسان‌گیری از نماد این شرکت به واسطه همین افزایش قیمت وجود دارد.

اما آنچه در پس این تحولات دیده می‌شود، فراتر از یک نوسان قیمت است. به نظر می‌رسد ایران خودرو با استناد به فرآیند واگذاری سهام دولتی، در حال اتخاذ تصمیماتی یک‌جانبه است که بدون آنکه منافع مصرف کنند را در نظر بگیرد، به دنبال تامین درآمد و سودآوری شرکت است. این در حالی‌ست که بسیاری از مشتریان و کارشناسان صنعت خودرو معتقدند قیمت‌های پیشین نیز با توجه به کیفیت محصولات، بالا و غیرمنطقی بوده‌اند.

ایران خودرو و اعتماد عمومی را خدشه‌دار می‌کند

افزایش قیمت بدون ارتقای کیفیت، نه تنها اعتماد عمومی را خدشه‌دار می‌کند، بلکه نشان‌دهنده یکی از پیادهای ساختاری صنعت خودرو در ایران یعنی انحصار است.

در بازاری که رقابت واقعی وجود ندارد و مصرف کننده حق انتخاب محدودی دارد، شرکت‌های بزرگ خودروسازی می‌توانند بدون پاسخگویی موثر، قیمت‌ها را افزایش دهند و همزمان از ارتقای فناوری، ایمنی و خدمات پس از فروش غافل بمانند.

از سوی دیگر، این رفتارها در تضاد با سیاست‌های کلان اقتصادی کشور در حوزه حمایت از تولید ملی و رضایت‌مندی مصرف کننده قرار دارد. اگر هدف از واگذاری سهام دولتی ایران خودرو، افزایش بهره‌وری و کیفیت بوده، پس چرا هم اکنون خلاف آن در حال رخ دادن است؟ به طور قطع تداوم چنین روندهایی می‌تواند اعتماد عمومی به خصوصی‌سازی را نیز تضعیف کند.

بازی ایران خودرو با مشتریان

درضمن باید توجه داشت که افزایش‌های پیاپی قیمت توسط ایران خودرو، تنها یک کاهش قدرت خرید مردم و افت کیفیت مواجه است، انتظار می‌رود نهادهای نظارتی با جدیت بیشتری به موضوع ورود کنند و سازوکارهای موثری برای کنترل قیمت، ارتقای کیفیت و تقویت رقابت در صنعت خودرو طراحی شود. توقف افزایش قیمت، اگر چه اقدامی فوری و ضروری است، اما کافی نیست؛ اصلاح ساختار انحصاری و بازنگری در سیاست‌های قیمت‌گذاری، گام‌هایی اساسی برای بازگرداندن تعادل به بازار خودرو خواهد بود. اینکه خودروسازان داخلی در زمان افزایش نرخ ارز، بلافاصله قیمت محصولات خود را بالا می‌برند، اما در زمان مطالبه پاسخگویی یا ارتقای کیفیت، صنعت را «ملی» و نیازمند حمایت معرفی می‌کنند، تناقضی آشکار در منطق اقتصادی و سیاست‌گذاری صنعتی کشور است. اگر صنعت خودرو واقعا ملی است، نباید این چنین به نوسانات ارزی وابسته باشد، چراکه یک صنعت ملی باید بر پایه توان داخلی، زنجیره تامین بومی و استقلال فناوریانه شکل گرفته باشد، نه بر پایه واردات قطعات و نوسان نرخ دلار.

اگر خودروسازان به جای رقابت بر سر کیفیت، رقابت بر سر قیمت‌گذاری را در پیش بگیرند، نتیجه آن چیزی جز بی‌اعتمادی عمومی، کاهش فروش و تضعیف برندهای داخلی نخواهد بود

این وابستگی مزمن به ارز، نشان می‌دهد که صنعت خودرو در ایران نه تنها به بلوغ نرسیده، بلکه همچنان درگیر ساختاری ناکارآمد و غیررقابتی است. در چنین شرایطی، حمایت‌های بی‌قید و شرط دولت نه تنها کمکی به اصلاح ساختار نمی‌کند، بلکه به تداوم انحصار، کاهش انگیزه برای نوآوری و بی‌توجهی به حقوق مصرف کننده دامن می‌زند.

این وابستگی مزمن به ارز، نشان می‌دهد که صنعت خودرو در ایران نه تنها به بلوغ نرسیده، بلکه همچنان درگیر ساختاری ناکارآمد و غیررقابتی است. در چنین شرایطی، حمایت‌های بی‌قید و شرط دولت نه تنها کمکی به اصلاح ساختار نمی‌کند، بلکه به تداوم انحصار، کاهش انگیزه برای نوآوری و بی‌توجهی به حقوق مصرف کننده دامن می‌زند.

راهکار تنظیم‌گری آزادسازی کامل واردات خودرو

از همین رو، بازنگری در سیاست‌های کلان صنعت خودرو ضرورتی انکارناپذیر است. دولت باید به جای تداوم حمایت‌های غیرهدفمند، مسیر رقابت را هموار کند. یکی از مهم‌ترین گام‌ها در این مسیر، آزادسازی کامل واردات خودرو بدون قید و شرط است. تنها در

یک بازار رقابتی و شفاف است که کیفیت، قیمت، خدمات و نوآوری معنا پیدا می‌کند و تولیدکننده داخلی ناگزیر به ارتقا و پاسخگویی می‌شود.

تجربه چند دهه حمایت از صنعت خودرو در ایران نشان داده که حمایت صرف، بدون الزام به بهره‌وری، رقابت‌پذیری و پاسخگویی، نه تنها منجر به پیشرفت نشده، بلکه فاصله این صنعت را با استانداردهای جهانی بیشتر کرده است. امروز، مصرف کننده ایرانی در غیاب انتخاب‌های واقعی، ناچار به خرید محصولات

بنابراین اگر هدف از حمایت، توسعه صنعتی و ارتقای رفاه عمومی است، باید ابزارهای آن نیز بازتعریف شود. حمایت واقعی، به معنای ایجاد فضای رقابتی، تسهیل واردات، ارتقای فناوری و شفاف‌سازی ساختار هزینه‌هاست نه بستن درهای بازار و تحمیل هزینه ناکارآمدی به مردم. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان به صنعتی ملی، رقابتی و پایدار امیدوار بود. حال با توجه به اینکه وزارت صنعت، معدن و تجارت به عنوان متولی صنعت تاکنون نتوانسته تغییری مطابق با نیاز مخاطبان در ارتقای کیفیت خودرو ایجاد کند، دستگاه‌های نظارتی باید در این بخش فعال شوند و حداقل مانع از اقدامات یکجانبه ایران خودرو و سایر خودروسازان در افزایش قیمت‌های بدون دلیل شوند. یکی از اشتباهات بزرگ اخیر در واکنش به مطالبه ایران خودرو واگذاری ارزیابی قیمت خودرو به سازمان حمایت به جای شورای رقابت بود. درواقع بعد از این تغییرات عملا این خودروساز هرفت خواست قیمت‌ها را بالا برد.

به همین دلیل به نظر می‌رسد که باید مصوباتی قانونی توسط مجلس در این زمینه صورت بگیرد تا بار دیگر نظارت بر قیمت‌گذاری خودرو به شورای رقابت برگردد و دستگاه‌هایی مانند تعزیرات نیز نسبت به فروش خودروسازان ورود کنند. چراکه بسیاری از پیش‌فروش‌ها به موقع تحول نمی‌شود یا حتی تغییرا‌پشن داده می‌شود که به زیان مشتریان است.

چالش‌ها و محدودیت‌ها

با وجود مزیت‌ها، مسیر بهره‌برداری اقتصادی از لیتیم چپیده است. استخراج و فرآوری لیتیم نیازمند فناوری‌های پیشرفته تغلیظ، تبخیر و تصفیه است و ایران هنوز زیرساخت‌های کافی ندارد. اکثر مناطق دارای لیتیم در اقلیم خشک قرار دارند و استخراج شورا به‌هه به مقادیر زیادی آب نیاز دارد. پروژه‌های لیتیمی سرما بهر هستند و تحریم‌ها و محدودیت جذب سرما به خارجی اجرای آنها را دشوار کرده است. همچنین تغییرات مکرر مقررات، نبود شفافیت در قرارداده‌ها و تعیین عوارض صادراتی نامشخص انگیزه سرما به‌گذاری را کاهش می‌دهد. نوسانات شدید قیمت جهانی لیتیم نیز در آمد پایدار را برای تازه‌واردها به چالش می‌کشد.

تجربه کشورهای پیشرو

کشورهای اصلی تولیدکننده لیتیم شامل استرالیا، بولیوی، شیلی و چین هستند. بخش عمده سود این کشورها از فرآوری و صنایع پایین‌دست حاصل می‌شود، نه صرفا استخراج ماده خام. چین امروز بیش از ۷۰ درصد صنعت جهانی باتری لیتیم-یونی را در اختیار دارد و ذخایر کشورها به شغل، فرآوری و به بازار جهانی عرضه می‌کند. ایران اگر بخواهد مشابه عمل کند، باید زنجیره کامل تولید، از معدن تا باتری و سلول را توسعه دهد.

سناریوهای اقتصادی برای ایران

با توجه به شرایط داخلی و بازار جهانی، چند مسیر برای ایران محتمل است. خام‌روشی و صادرات ساده اولیه، سود کوتاه‌مدت دارد اما ارزش افزوده پایین است و وابستگی به قیمت جهانی ایجاد می‌کند. توسعه فرآوری و پایین‌دست زنجیره با مشارکت شرکت‌های خارجی با داخلی، ظرفیت تولید سلول‌های باتری و مواد کاندی را افزایش می‌دهد و ارزش افزوده بالاتری ایجاد می‌کند، اما نیازمند سرمایه‌گذاری و برنامه بلندمدت است. توسعه کامل صنعتی و فناوری محور، شامل استخراج، فرآوری و تولید باتری و خودروهای برقی، مسیر پرهزینه و سخت اما بلندمدت است که مزیت رقابتی ایجاد می‌کند و ایران را وارد زنجیره جهانی فناوری انرژی می‌کند.

نگاه

یارانه بگیران قربانی کمبود اعتبار کالا برگ



گروه اقتصادی | در روزهایی که طرح کالا برگ الکترونیکی با کمبود منابع مالی مواجه و تأمین اعتبار آن به یکی از چالش‌های جدی دولت تبدیل شده است، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان هدمندسازی یارانه‌ها با سرعتی بی‌سابقه در حال بازنگری در ساختار خانوارها و حذف بخشی از یارانه‌گیران هستند. این روند که با ارسال پیامک‌های گسترده به سرپرستان خانوار آغاز شده، بخشی از طرح «اصلاح ساختار خانوار» است که هدف آن انتقال پایگاه اطلاعاتی از وزارت کار به سازمان ثبت احوال کشور اعلام شده است.

بر اساس این طرح، سرپرستان خانوار موظف شده‌اند حساب بانکی خود را در سامانه «سیمین» ثبت کنند تا اطلاعات مالی و هویتی آنها به‌صورت الکترونیکی و بدون مراجعه حضوری به بانک‌ها به‌روزرسانی شود. این اقدام در ظاهر با هدف هوشمندسازی و یکپارچه‌سازی داده‌ها انجام می‌شود، اما در عمل، نشانه‌هایی از یک فرآیند تسریع‌شده برای حذف یارانه‌گیران دیده می‌شود؛ فرآیندی که به‌دلیل فشارهای مالی ناشی از اجرای کالا برگ، اکنون با شتابان‌نگران‌کننده در حال پیشروی است.

در شرایطی که دهک‌بندی و وسع‌سنجی خانوارها همچنان بر عهده وزارت کار باقی مانده اما شناسایی ساختار خانوار به سازمان ثبت احوال واگذار شده، احتمال بروز خطا در تشخیص وضعیت واقعی خانوارها افزایش یافته است. تغییرات ناگهانی در سرپرستی خانوار، تفکیک‌های اداری بدون بررسی دقیق و اتکا به داده‌های ثبتی بدون ارزیابی میدانی، می‌تواند منجر به حذف اشتباه افراد از فهرست یارانه‌گیران شود. مسئله‌ای که در ماه‌های گذشته نیز چالش‌برانگیز شده بود. درواقع دولت تاکنون ۶ میلیون نفر از یارانه بگیران را حذف کرده و قرار شده تا پایان سال ۹ میلیون از مشمولیت یارانه خارج شوند. از سوی دیگر، اجرای مرحله‌ای این طرح در استان‌های تهران، البرز و سیستان و بلوچستان تا پایان آبان‌ماه، نشان می‌دهد که حذف‌های قبلی کارشناسی نبوده و دولت می‌تواند تا بیش از پایان سال، بخش قابل توجهی از جامعه یارانه‌گیر را پالایش کند. این در حالی‌ست که هیچ گزارش شفافی از معیارهای حذف، نحوه ارزیابی وسع، یا میزان خطای احتمالی در فرآیند حذف قبلی منتشر نشده است. همچنین درباره سیاست‌های جدید برای اصلاح ارزیابی یارانه بگیران نیز اطلاع‌رسانی نشده است.

تبعات حذف شتاب‌زده یارانه‌گیران

کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند که حذف شتاب‌زده یارانه‌گیران بدون پشتوانه علمی و بدون بررسی دقیق وضعیت معیشتی خانوارها، نه تنها عدالت اجتماعی را خدشه‌دار می‌کند، بلکه می‌تواند به نارضایتی عمومی و بی‌اعتمادی نسبت به سیاست‌های رفاهی دولت منجر شود. در شرایطی که تورم بالا، کاهش قدرت خرید و رکود اقتصادی زندگی بسیاری از خانوارها را تحت فشار قرار داده، حذف یارانه بدون ارزیابی جامع، اقدامی پرهزینه از منظر اجتماعی و سیاسی خواهد بود.

از این رو می‌توان ادعا کرد که اگر هدف از اصلاح ساختار خانوار، ارتقای دقت و کارآمدی در نظام یارانه‌ای کشور است، این هدف باید با شفافیت، دقت علمی و مشارکت اجتماعی همراه باشد نه با حذف‌های ناگهانی، پیامک‌های مبهم و تصمیم‌گیری‌های اداری بدون پاسخگویی باشد. از طرف دیگر باید توجه داشت که تأمین اعتبار کالا برگ نباید بهانه‌ای برای حذف بی‌ضابطه یارانه‌گیران باشد و باید با اصلاحات ساختاری، بازنگری در نظام مالی دولت و تقویت ابزارهای حمایتی همراه شود تا عدالت اجتماعی قربانی فشارهای بودجه‌ای نشود.

ضعف معیارهای موردارزیابی

در حال حاضر یکی از معیارهای مورد استفاده برای ارزیابی وسع خانوارها، بررسی تراکنش‌های ورودی و خروجی حساب‌های بانکی افراد است روشی که به‌طور فزاینده‌ای مورد انتقاد قرار گرفته و از منظر کارشناسی، فاقد دقت و عدالت لازم برای سنجش واقعی سطح رفاه خانوارهاست. تراکنش‌های مالی، به‌ویژه در اقتصاد غیررسمی و مشاغل آزاد، الزاما بازتاب‌دهنده وضعیت اقتصادی یا دارایی فرد نیستند. بسیاری از مشاغل خدماتی، واسطه‌های بافصلی، گردش مالی بالایی دارند اما سود خالص اندکی نصیب صاحب حساب می‌شود. از سوی دیگر، افراد با درآمد ثابت و دارایی‌های قابل توجه ممکن است تراکنش‌های محدودی داشته‌اند اما از رفاه نسبی برخوردار باشند. بنابراین، اتکا به حجم تراکنش‌ها به‌عنوان شاخص رفاه، نه تنها گمراه‌کننده است، بلکه می‌تواند منجر به حذف ناعادلانه یارانه از خانوارهایی شود که در ظاهر فعال اقتصادی‌اند اما در واقع با دشواری معیشتی مواجه‌اند. کارشناسان اقتصادی تأکید دارند که ملاک ارزیابی وسع باید بر پایه دارایی‌های رسمی و قابل استناد افراد از جمله مالکیت املاک، خودرو، سهام و سایر دارایی‌های ثبت‌شده در سامانه‌های ملی باشد؛ این اطلاعات در کنار داده‌های درآمدی و شغلی، می‌تواند تصویری دقیق‌تر از وضعیت اقتصادی خانوارها ارائه دهد. در غیر این‌صورت، استفاده از تراکنش‌های بانکی بدون در نظر گرفتن ماهیت شغل، نوع فعالیت اقتصادی و هزینه‌های جاری، به تصمیم‌گیری‌های نادرست و حذف‌های اشتباه منجر خواهد شد.

در شرایطی که دولت به‌دنبال اصلاح ساختار یارانه‌ای و اجرای طرح کالا برگ است، لازم است معیارهای سنجش وسع با دقت علمی، عدالت اجتماعی و شفافیت همراه باشند. حذف یارانه نباید بر اساس داده‌های ناقص یا تحلیل‌های سطحی انجام شود؛ بلکه باید بر پایه ارزیابی جامع دارایی‌ها، دارآمدها و هزینه‌های واقعی خانوارها صورت گیرد تا اعتماد عمومی به سیاست‌های رفاهی حفظ شود و عدالت در توزیع منابع برقرار بماند.

در نتیجه‌گیری می‌توان گفت آنچه از روند فعلی حذف یارانه‌گیران برمی‌آید، بیش از آنکه نشانه‌ای از اصلاح ساختار باشد، بازتابی از فشار مالی و کمبود منابع برای اجرای سیاست‌های حمایتی مانند کالا برگ است. دولت به جای بازنگری در منطق تخصیص منابع و اصلاح نظام مالی، مسیر حذف را به‌عنوان راه‌حل فوری انتخاب کرده؛ مسیر پره‌خطری که بدون پشتوانه کارشناسی، نه تنها عدالت اجتماعی را تهدید می‌کند، بلکه می‌تواند اعتماد عمومی به سیاست‌های رفاهی را نیز از بین ببرد.

اگر اصلاح ساختار خانوار و ارزیابی وسع قرار است به ابزاری برای هدفمند کردن حمایت‌های تبدیل شود، باید با بازتعریف معیارها، تقویت زیرساخت‌های

فرآوری و تولید باتری و خودروهای برقی، مسیر پرهزینه و سخت اما بلندمدت است که مزیت رقابتی ایجاد می‌کند و ایران را وارد زنجیره جهانی فناوری انرژی می‌کند.

فرصت واقعی یا وعده در خاک؟

مطالعات سازمان زمین‌شناسی و وزارت صمت نشان می‌دهد ایران ذخایر قابل توجهی از لیتیم دارد. مناطق همدان، سمنان، قم و خراسان جنوبی بیشترین پتانسیل را دارند. در همدان، اکتشافات اولیه حدود هشت میلیون تن لیتیم کرنات قابل استحصال را نشان می‌دهد. در سمنان و قم، شوره‌های معدنی با غلظت ۲۰۰ تا ۲۵۰ ppm شناسایی شده که برای استخراج اقتصادی مناسب است. خراسان جنوبی نیز دارای رسوبات معدنی است که فرآوری آن نیازمند فناوری پیشرفته است. برای مقایسه، ذخایر استرالیا حدود ۲۹ میلیون تن، بولیوی ۲۱ میلیون تن و شیلی ۹ میلیون تن برآورد شده است. این اعداد نشان می‌دهد ایران پتانسیل حضور در جمع پنج کشور بزرگ دارنده لیتیم را دارد، البته با شرط تکمیل اکتشافات و توسعه فناوری‌های استخراج. نوع ذخایر ایران نیز متنوع است. بخشی از آن از

شوره‌ابه‌های معدنی و بخش دیگر از رسوبات معدنی است. استخراج از رسوبات معدنی هزینه بالاتر و فناوری پیچیده‌تری نیاز دارد، در حالی که شوره‌ابه‌ها به سرما به‌گذاری کمتر اما مدیریت دقیق منابع آب نیاز دارند.

تقاضای صعودی و نوسانات شدید

بازار جهانی لیتیم طی یک دهه اخیر رشد چشمگیری داشته است. تولید جهانی از حدود ۱۸۰ هزار تن در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۹۰۰ هزار تن در سال ۲۰۲۴ رسیده است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ تولید جهانی از مرز دو میلیون تن در سال عبور کند. قیمت لیتیم کرنات با نوسانات شدیدی همراه بوده است. از حدود هر تن هشت هزار دلار در سال ۲۰۱۹ به ۷۰ هزار

دلار در اوج سال ۲۰۲۲ و کاهش به حدود ۲۰ هزار دلار در نیمه ۲۰۲۴. اکنون نیز قیمت به همان محدوده ۲۰۱۹ بازگشته است. گلدمن ساکس پیش‌بینی می‌کند که قیمت لیتیم کرنات درجه باتری تا پایان سال ۲۰۲۵ به حدود ۱۱ هزار دلار آمریکا به ازای هر تن برسد و در سال ۲۰۲۶ به ۱۳۲۵۰ دلار افزایش یابد. این افزایش ناشی از رشد تقاضای خودروهای برقی و خروج تولیدکنندگان با هزینه بالا از بازار است.

افزایش تقاضای خودروهای برقی و صنایع انرژی از مهم‌ترین عامل رشد بازار است. براساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، تا سال ۲۰۴۰ بیش از نیمی از خودروهای جدید جهان برقی خواهند بود و این به معنی رشد تصاعدی نیاز به باتری‌های لیتیومی است. با



این حال، نوسانات قیمت ریسک تازه‌واردها را افزایش می‌دهد و نیازمند راهبردهای بلندمدت برای پایداری درآمد است.

مزیت‌های ایران در بازار جهانی

ایران با ذخایر قابل توجه و موقعیت جغرافیایی، چند مزیت استراتژیک دارد. قابلیت تامین بازار داخلی و منطقه‌ای به‌ویژه کشورهای همسایه، تنوع منابع شامل شوره‌ابه و رسوبات معدنی و پتانسیل توسعه زنجیره ارزش از استخراج تا تولید باتری و صنایع پایین‌دست، فرصت‌های قابل توجهی ایجاد می‌کند. ایران می‌تواند از این مزیت‌ها برای ایجاد درآمد پایدار و کاهش وابستگی به نفت استفاده کند. مشروط به توسعه فناوری و سرما به‌گذاری مناسب.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



کیوسک

نیویورک پست آمریکا، تیترا اصلی خود را به سرقت عجیب جواهرات ناپلئون از موزه مشهور لوور پاریس اختصاص داد و نحوه این دزدی را تشریح کرد.

گاردین آمریکا، تیترا اصلی خود را به دشواری حفظ آتش‌بس در غزه با وجود حملات مرگبار اسرائیل به خان یونس و قتل و کشتار ده‌ها ساکن این باریکه اختصاص داد.

NEW YORK POST

Quick Louvre

robbers swiped ions in jewels in 10-minute heist

SHAMEFUL

WTC victims

ast Mamdani

or coyzing up terror-linked, anti-gay imam

ستاره‌ها همراه با شور خیابان‌ها علیه رویای سلطنت ترامپ

میلیون‌ها آمریکایی شنبه این هفته در کنار ستارگان سینما در اعتراضات سراسری «نه به شاه» (No Kings) شرکت کردند، جنبشی که به نشانه مخالفت با جاه‌طلبی‌های دونالد ترامپ و تمایل او به قدرت مطلقه شکل گرفت. به گزارش ددلاین، شبکه‌های تلویزیونی آمریکا این تظاهرات را به‌صورت سراسری پخش کردند. چهره‌هایی چون گلن کلوس، اسپایک لی، جین اسمارت و جان کیوسک از جمله حاضران در خیابان بودند. گلن کلوس، بازیگر سرشناس، در صفحه خود تصویری منتشر کرد که در دستش تابلویی با شعار «نه به الیگارشی‌ها، نه به دیکتاتورها، نه به پادشاهان» دیده می‌شود. اسپایک لی نیز با در دست داشتن جلد اخیر مجله تایم که روی آن نوشته بود «وقت رفتن فرار سیده‌ها» به جمعیت پیوست و فریاد زد: «بر خیزید و بلند شوید» جین اسمارت، بازیگر برنده امی نیز پیش‌تر در پیامی از مردم خواسته بود در این اعتراضات صلح‌آمیز شرکت کنند. در شیکاگو، جان کیوسک بازیگر فیلم «چیزی بگو» هم در واکنش به اعزام نیروهای فدرال گفت: «اگر ترامپ گمان می‌کند می‌تواند این شهر را به قطب فاشیسم تبدیل کند، سخت در اشتباه است.» در کنار این چهره‌ها، بازیگرانی چون پدرو پاسکال، مارک رالفو، جیمی لی کرتیس و کتی گرiffin نیز از این جنبش حمایت کردند. خیابان‌های آمریکا این روزها یادآور جمله‌ای است که از دهان بسیاری شنیده می‌شود: «در ایالات متحده، جایی برای پادشاهان نیست.»

یادداشت

آیا آتش‌بس پاکستان و افغانستان در سایه شک و تردیدهای متقابل دوام خواهد یافت؟

مرزهای آرام و آتشی پنهان



رامتین لطیفی
دبیر بین‌الملل

پس از گذشت یک هفته از درگیری‌های مرگبار در طول ۲۶۰۰ کیلومتر مرز میان دو همسایه به ایران، اسلام‌آباد و کابل بر سر «آتش‌بس فوری» توافق کردند. این در حالی است که روابط میان آن‌ها از زمان بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱ به پایین‌ترین حد خود رسیده بود. وزارت خارجه قطر اعلام کرد طرفین پس از مذاکراتی در دوحه، متعهد شدند مبارزه را متوقف کنند و در مسیر «صلح و ثبات پایدار» گام بردارند.

نگاهی به جزئیات پیمان آتش‌بس

در بیانیه رسمی وزارت خارجه قطر آمده است که طرفین بر آتش‌بس فوری و ایجاد مکانیزم‌هایی برای تحکیم صلح و ثبات میان دو کشور توافق کردند. همچنین تصریح شد که جلسات پیگیری در روزهای آینده برگزار خواهد شد تا پایداری آتش‌بس تضمین شود و اجرای آن به‌طور قابل اعتماد و پایدار راستی‌آزمایی شود. خواهجہ آصف، وزیر دفاع پاکستان، در پیام خود در شبکه ایکس تصریح کرد: «تروپ‌سسم فرامرزى از خاک افغانستان بلافاصله متوقف خواهد شد. هر دو کشور حاکمیت و تمامیت ارضی دیگری را محترم می‌شمارند.» وی افزود که جلسه بعدی هیئت‌ها در شهر استانبول ترکیه در تاریخ ۲۵ اکتبر برگزار خواهد شد تا «مسائل را به تفصیل بررسی» کند. اسحاق‌دار، معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه پاکستان، این آتش‌بس را «گام نخست در مسیر درست» توصیف کرد و نوشت: «ما منتظر مکانیزم نظارتی ملموس و قابل‌راستی‌آزمایی هستیم تا در نشست ترکیه موضوع تروپ‌سسم منشأ گرفته از خاک افغانستان را دنبال کند. اهمیت دارد که تلاش‌ها برای جلوگیری از هرگونه قربانی بیشتر به کار گرفته شود.»

از سوی طالبان، ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی دولت موقت افغانستان، اعلام کرد که براساس این توافق، «طرفین تعهد مشترک خود به صلح، احترام متقابل و حفظ روابط همسایگی قوی و سازنده را تصدیق کردند.» و افزود: «دو طرف متعهد شدند مسائل از طریق گفت‌وگو حل شود. مقرر شده است هیچ کدام اقدامات خصمانه علیه دیگری اتخاذ نکنند و از گروه‌هایی که حمله علیه دولت پاکستان می‌کنند، حمایت نکنند.» همچنین گفته شد که استفاده از خاک افغان جهت حمله به هر کشور دیگری ممنوع خواهد بود. بااین حال، نظرات تحلیلگران چندان خوشبینانه نیست. الیزابت لرتکلند، مدیر برنامه جنوب آسیا در مرکز استیمسون، اظهار داشت: «بازاریان متعددی در مرکز هستند؛ نیروی طالبان پاکستان و دیگر گروه‌های مرتبط با آن در این

چرا پاکستان طالبان را مقصر می‌داند؟

پاکستان انتظار دارد طالبان گروه‌های مسلح مانند تی‌تی‌پی یا همان گروه تحرک طالبان و دیگران را که به انجام حملات در خاک پاکستان متهم می‌شوند، مهار کند. حملات مسلحانه توسط تی‌تی‌پی و ارتش آزادی‌بخش بلوچستان که در استان غنی از منابع بلوچستان فعالیت می‌کند، طی سال‌های اخیر افزایش چشمگیری یافته است. در سه‌ماهه اول امسال، دست‌کم ۲۴۱۴ کشته در این مناطق ثبت شده است. روابط اسلام‌آباد و طالبان که زمانی بر سر امنیت منطقه‌ای مشترک بودند، رو به تیرگی گذاشته است و پاکستان می‌گوید افغانستان به تی‌تی‌پی پناه می‌دهد، ادعایی که کابل آن را رد کرده است. جاویدالرحمن، روزنامه‌نگار پاکستانی، گفت: «تی‌تی‌پی از خاک افغانستان استفاده می‌کند و دولت طالبان در کنترل آن ناکام مانده است.» وی افزود پاکستان در مذاکرات دوحه به صراحت گفته است که تروپ‌سسم فرامرزى از افغانستان را تحمل نخواهد کرد. حزب طالبان افغانستان نیز با انتشار پیامی تأکید کرد که «خاک افغانستان برای حمله علیه هیچ کشور دیگری استعمال نخواهد شد. این موضع همیشگی امارت اسلامی است.» اسلام‌آباد همچنین خواستار جلوگیری از احیای شبکه‌های ضد پاکستان در افغانستان است که آن را تهدیدی برای ثبات خود و استراتژی منطقه‌ای گسترده‌تر می‌داند. یک تحلیلگر سیاسی در کابل، عبدالله بهیر، این

گزارش «هفت صبح» از وعده رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت برای پاسخگویی وزیران

پاستور روی خط پاسخ

حضور منظم وزیران در برابر خبرنگاران می‌تواند نخستین گام دولت برای ترمیم اعتماد رسانه‌ای و کاهش

فاصله با افکار عمومی باشد

کرده‌ایم و به‌زودی این مسئله هم برطرف خواهد شد.» این اظهارات در شرايطی مطرح می‌شود که برخی رسانه‌ها نسبت به «پاسخگو نبودن» تعدادی از وزرا انتقاد کرده و گفته بودند که حضور گرینشی برخی اعضای کابینه در جمع خبرنگاران، باعث شکل‌گیری ذهنیت «فاصله دولت از افکار عمومی» می‌شود. وعده جدید حضرتی‌رامی‌توان تلاشی در راستای ترمیم این شکاف و بازسازی اعتماد رسانه‌ای دانست.

رسانه؛ رکن پاسخگویی و شفافیت در حکمرانی مدرن

نقش رسانه در نظام‌های سیاسی امروزی، فراتر از اطلاع‌رسانی صرف است؛ رسانه‌ها به‌مثابه رکن چهارم دموکراسی، ضامن شفافیت و پاسخگویی در ساختار قدرت به‌شمار می‌آیند. در این چارچوب، هر مقام و مسئولی در هر سطحی از مدیریت عمومی، نه به اختیار بلکه از سر ضرورت، باید خود را موظف به پاسخگویی در برابر افکار عمومی بداند. رسانه در ذات خود، زبان مردم و وجدان بیدار جامعه است؛ بنابراین گفت‌وگو با

ضرورت پاسخگویی در دوران بحران و جنگ روایت‌ها

ایران امروز در مرحله‌ای حساس از نظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی قرار دارد. وضعیت شکننده معیشت مردم، نارضایتی‌های اجتماعی، فشار تحریم‌ها و پیچیدگی‌های سیاست خارجی، همگی شرایطی را رقم زده‌اند که در آن افکار عمومی بیش از هر زمان دیگری تشنه شفافیت و پاسخگویی است. در چنین فضایی، پنهان‌کاری یا سکوت مسئولان می‌تواند بیش از هر چیز به بی‌اعتمادی عمومی دامن بزند. از سوی دیگر، در دنیای رسانه‌های شبکه‌ای، دیگر هیچ خلأ خبری خالی نمی‌ماند؛ اگر مقامات رسمی سکوت کنند، دیگران روایت خود را ارائه می‌کنند. امروز ایران در متن جنگ روایت‌ها قرار دارد؛ جنگی که در آن ده‌ها رسانه داخلی، برون‌مرزی و معاند هر کدام تصویری متفاوت از واقعیت ارائه می‌دهند. در چنین شرایطی، اگر مقامات و نهادهای رسمی پیشگام اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف



نیاید به تریبونی برای خودنمایی، تبلیغات پوپولیستی یا فخر فروشی سیاسی تبدیل شود، بلکه باید فرصتی برای گفت‌وگویی صادقانه با مردم و روشن‌سازی واقعیت‌ها باشد. رسانه‌ها در ذات خود، نه ابزار قدرت، بلکه آینه‌ای از واقعیت اجتماعی‌اند؛ آینه‌ای که اگر درست و شفاف در برابر آن ایستاد، می‌تواند موجب اصلاح، اعتمادسازی و ارتقای سرمایه اجتماعی شود. اما اگر از آن برای نمایش قدرت یا تظاهر ناکارآمدی‌ها استفاده شود، نتیجه‌اش چیزی جز فرسایش اعتماد عمومی و تقویت شکاف مردم و حاکمیت نخواهد بود. امروز جامعه ایران در شرایطی قرار دارد که هرگونه تلاش برای کتمان، پنهان‌کاری یا پاسخ‌های کلیشه‌ای دیگر کارایی ندارد. همانطور که حضور عاقدانه در رسانه با اهداف پوپولیستی هم از سوی افکار عمومی رد خواهد شد. مردم بیش از هر زمان دیگری به آگاهی دسترسی دارند و از مسئولان انتظار صداقت و شفافیت دارند. فاصله میان مردم و حاکمیت تنها زمانی ترمیم می‌شود که مقامات به جای واکنش‌های مصلحتی و رسانه‌ای یا قرائت‌های پوپولیستی، به گفت‌وگوهای صریح، مستقلاانه و مبتنی بر واقعیت روی آورند. این همان نقطه‌ای است که رسانه‌ها می‌توانند نقش خود را به عنوان یکی از ارکان دموکراسی ایفا کنند؛ نه در خدمت با اهداف و عقلائیست است؛ جایی که رسانه نه تهدید، بلکه معیار سنجش اصالت سیاست‌ورزی می‌شود.

یک مرز باریک

به‌رغم ضرورت پاسخگویی مقامات به رسانه‌ها، باید میان «پاسخگویی واقعی» و «استفاده ابزاری از رسانه‌ها» تمایز قائل شد. حضور مقامات در رسانه‌ها

نقش رسانه در نظام‌های سیاسی

امروز، فراتر از اطلاع‌رسانی صرف

است، رسانه‌ها به‌مثابه رکن چهارم

دموکراسی، ضامن شفافیت و

پاسخگویی در ساختار قدرت به

شمار می‌آیند. در این چارچوب،

هر مقام و مسئولی در هر سطحی

از مدیریت عمومی، نه به اختیار

بلکه از سر ضرورت، باید خود را

موظف به پاسخگویی در برابر افکار

عمومی بداند

نباشند، عرصه روایت و ذهنیت عمومی به‌سادگی از دست می‌رود. پاسخگویی، صرفاً یک رفتار سیاسی نیست، بلکه بخشی از راهبرد ملی برای حفظ سرمایه اجتماعی است. مردم، در مواجهه با بحران‌ها، تنها زمانی همراهی می‌کنند که احساس کنند در جریان تصمیمات قرار دارند و به آنان احترام گذاشته می‌شود.

سیاست‌بازی یا سیاست‌ورزی؟

در فضای سیاسی ایران، متأسفانه اندیشه‌ای نادرست و ریشه‌دار شکل گرفته است که بر اساس آن، «فاصله» گرفتن از رسانه‌ها و «پرهیز از پاسخگویی» به‌نوعی نشانه اقتدار، تجربه یا حتی پختگی سیاسی تلقی می‌شود. گویی هر چه سیاستمداری کمتر در معرض پرسش رسانه‌ها قرار گیرد و کمتر در برابر افکار عمومی



در روزهایی که سینمای ایران با دشواری‌های مالی و محدودیت‌های بین‌المللی دست‌وپنجه نرم می‌کند، اثری از راه رسیده که توانسته از دل یک همکاری فرهنگی، پرچم همدلی را در جهان بالا ببرد. «ماهی در قلاب» فیلمی به کارگردانی محی‌الدین مظفر و تهیه‌کنندگی امیر تاجیک، با نگاهی انسانی، از دل تاجیکستان متولد شد و اکنون در مسیر جشنواره‌های جهانی می‌درخشد. فیلم تاکنون جوایزی چون گرند پری جشنواره تاج‌سامان و جایزه ویژه جشنواره بین‌المللی کودک و نوجوان اصفهان را به خود اختصاص داده است. گفت‌وگوی ما با امیر تاجیک، نگاهی تازه است به پشت صحنه این تجربه کم‌نظیر در تولید مشترک سینمایی.

«مسیر شکل‌گیری «ماهی در قلاب» از کجا آغاز شد؟

از دل یک فیلمنامه انسانی، داستان کودکی که در جست‌وجوی مادرش سفری درونی را آغاز می‌کند، در ظاهر قصه‌ای درباره خانواده است، اما در عمق خود به مفاهیمی مثل رهایی، بخشش و هویت می‌پردازد. وقتی فیلمنامه را خواندم، حس کردم می‌توان از دل آن پلی میان فرهنگ‌های فارسی‌زبان ساخت. همان‌جا تصمیم گرفتیم پروژه را با نگاهی بین‌المللی پیش ببریم تا صدای مشترک ایران و تاجیکستان در یک قاب شنیده شود.

«همکاری دو کشور در این سطح معمولاً دشوار است. چه عاملی باعث شد پروژه به سرانجام برسد؟

هم‌افزایی فرهنگی، تاجیکستان برای ما سرزمینی آشناست؛ زبانی مشترک، ریشه‌ای یکسان و احساسی نزدیک. وقتی در جلسات اولیه درباره تولید صحبت کردیم، مشخص شد که همه در یک نقطه مشترک ایستاده‌ایم: عشق به سینما و میل به ساخت اثری فراتر از مرزها. شبکه‌ای فیلم با جسارت وارد شد، شرکت سیکاپ در ایران سرمایه‌گذاری کرد و استودیو «داو» تاجیکستان پشتیبان تولید شد. همین همکاری، نقطه آغاز راهی تازه در تعاملات فرهنگی بود.

«فیلم در تاجیکستان فیلم‌برداری شد. انتخاب آن کشور چه دلایلی داشت؟

از همان ابتدا، داستان در جغرافیای تاجیکستان نوشته شده بود. طبیعت آن کشور، از کوه‌های خجند تا دشت‌های کولاب، روحی شاعرانه دارد که با فضای درونی فیلم هماهنگ است. از نظر اقتصادی نیز هزینه تولید پایین‌تر بود، اما مهم‌تر از همه، روح صمیمی مردم و شباهت فرهنگی باعث شد حس بومی قصه حفظ شود. جالب است بدانید در بسیاری از صحنه‌ها، مردم محلی داوطلبانه با گروه همکاری کردند.

«به‌عنوان تهیه‌کننده، با چه چالش‌هایی روبه‌رو شدید؟

کار در کشوری دیگر همیشه تجربه‌ای پرریسک است. تفاوت در قوانین، شرایط آب‌وهوا، حمل‌ونقل و حتی شیوه کار گروه‌های فنی می‌تواند روند تولید را پیچیده کند. با این حال ما پروژه را به شکل صنعتی پیش بردیم. همه چیز از پیش طراحی شده بود؛ از استوری‌برد گرفته تا برنامه دقیق فیلم‌برداری. در نهایت توانستیم فیلمی ۹۰ دقیقه‌ای را در ۴۵ روز کامل کنیم. برای پروژه‌های بین‌المللی با دهه‌ها لوکیشن در جاده و طبیعت، این رکوردی قابل توجه است.

«کمی درباره پست‌پروداکشن این اثر صحبت کنید. تیم فنی چه کسانی بودند؟

تمام مراحل پس‌تولید در ایران انجام شد. تدوین را عماد خدابخش انجام داد؛ صدگذاری را آرش قاسمی بود و موسیقی را فردین خلعتبری ساخت. موسیقی فیلم ترکیبی از نغمه‌های ایرانی و تاجیکی است که به زیبایی میان دو فرهنگ پیوند می‌زند. همین ترکیب باعث شد در جشنواره تاج‌سامان، جایزه بهترین موسیقی متن را بگیریم. طراحی رنگ و مسترینگ هم توسط فرد به‌جلالی انجام شد تا نتیجه از نظر فنی با استانداردهای جهانی هم‌خوان باشد.

«فیلم حالا مسیر جشنواره‌ها را طی می‌کند. واکنش مخاطبان خارجی چطور بوده است؟

فوق‌العاده. نخستین نمایش جهانی در جشنواره «اشلیگل» آلمان بود، جایی که منتقدان فیلم را «تصویری شاعرانه از رهایی در شرق» نامیدند. این بازخورد ثابت کرد سینمای فارسی‌زبان ظرفیت جهانی دارد، اگر بتواند از دل احساس انسانی سخن بگوید. برای اکران عمومی در ایران و تاجیکستان هم برنامه‌ریزی کرده‌ایم.

«عنوان فیلم اشاره‌ای نمادین دارد. از مفهوم آن بگویید.

در نگاه من، همه انسان‌ها ماهی‌هایی هستند که در گیر قلاب‌های زندگی‌اند؛ قلاب‌هایی از گذشته، ترس یا وابستگی. در فیلم، کودک داستان در مسیر یافتن مادر، در حقیقت به راهی از همین قلاب‌ها می‌رسد. نام فیلم از دیالوگی گرفته شد که یکی از شخصیت‌ها می‌گوید: «ادم اگر خودش را نبخشد، در قلاب می‌ماند.» همین جمله عصاره فلسفی اثر است.

«شما خودتان هم تجربه کارگردانی دارید. چرا پشت دوربین نرفتید؟

در این پروژه، نیت من تجربه یک همکاری بین‌المللی بود. آقای مظفر سال‌ها در روسیه تحصیل کرده و نگاه عمیق‌تری به فضای داستان داشت. ترجیح دادم تهیه‌کنندگی را بر عهده بگیرم تا بتوانم بر تمام بخش‌های تولید نظارت کامل داشته باشم. البته از تجربه‌های این پروژه برای ساخت نخستین فیلم سینمایی ام استفاده خواهم کرد.

«به نظر می‌رسد «ماهی در قلاب» فراتر از یک فیلم کودکانه است؟

دقیقاً همین‌طور است. در ظاهر، قصه درباره کودکی است که مادرش را جست‌وجو می‌کند، اما در باطن، درباره انسان امروز و میل به بازگشت به خوشی‌های گذشته است. فیلم به زبان ساده از عشق، بخشش و رهایی سخن می‌گوید. همین نگاه جهانی باعث شد تماشاگران غیرایرانی هم با آن ارتباط برقرار کنند. برای من، مهم‌ترین دستاورد این پروژه همین است: سینمایی که از دل تاجیکستان و ایران می‌آید اما برای همه جهان حرف دارد.

«در پایان اگر بخواهید با یک جمله فیلم را توصیف کنید؟

«ماهی در قلاب»، روایت انسان‌هایی است که در جست‌وجوی آزادی‌اند؛ آزادی از گذشته‌ها، ترس، از تنهایی. این فیلم برای من سندی است از قدرت پیوند، از اینکه سینمایی‌تواند زبانی مشترک میان دل‌ها باشد. امیدوارم تماشاگران در هر نقطه از دنیا، سهمی از این رهایی را در دل خود احساس کنند.



«ماهی در قلاب»

روایتی از رهایی، عشق و خانه

● قصه کودکی در جست‌وجوی محبت مادر، فیلمی که از دل تاجیکستان برخاست و با امضای هنرمندان ایرانی جهانی شد

گروه فرهنگ و هنر | در روزگاری که سینما گاه در مرزهای جغرافیا و سیاست گرفتار می‌شود و بسیاری از آثار در حصار زبان و ملیت باقی می‌مانند، فیلمی از راه رسیده که می‌خواهد از احساس بگوید، از ریشه‌های مشترک و پیوندهایی که فراتر از مرزها معنا می‌گیرند. «ماهی در قلاب» نخستین تجربه تولید مشترک ایران و تاجیکستان است؛ اثری که با نگاهی انسانی و روایتی جهان‌شمول، قصه‌ای ساده اما عمیق از کودک، خانواده و رهایی روایت می‌کند. فیلم از همان نخستین نمایش بین‌المللی‌اش در جشنواره «اشلیگل» آلمان، نگاه منتقدان و تماشاگران را به خود جلب کرد و حالا در مسیر حضور جهانی‌اش، به نمادی از سینمای بدون مرز کودک و نوجوان بدل شده است.

جست‌وجوی مادر و بخشش، معنای رهایی را می‌یابد. این فیلم، حاصل مشارکت شبکه‌ای فیلم، شرکت ایرانی «سیکاپ» و دو کمپانی تاجیکی «داو» و «تاجیک‌فیلم» است؛ تجربه‌ای که می‌تواند نقطه عطفی در همکاری‌های فرهنگی ایران و تاجیکستان باشد. این فیلم نخستین تجربه تولید مشترک معاونت برون‌مرزی رسانه ملی با تاجیکستان است که به‌رغم تولید به زبان فارسی، برای مخاطب بین‌المللی تولید گشته است.

دلیبر: کودک انتخاب‌شده

از میان هزار و هشتصد چهره انتخاب‌باز بزرگ‌نقش اصلی از میان بیش از هزار و هشتصد کودک، یکی از دشوارترین مراحل تولید بود. عبدالله عبدالجیم‌زاده، کودک نه‌ساله تاجیکی، در آزمون نهایی با حضور بازیگران حرفه‌ای، درخشش خاصی داشت و در نهایت برای نقش دلیبر انتخاب شد. حضور او چنان اثرگذار بود که پس از پایان فیلم‌برداری، یکی از عوامل فیلم سرپرستی‌اش را بر عهده گرفت. در کنار او، خورشید مصطفی‌اف در نقش صمد و سیاره صفر او در نقش نگار، بازی‌هایی پرحس و صمیمی ارائه کرده‌اند. مصطفی‌اف، از چهره‌های مطرح تئاتر تاجیکستان و فارغ‌التحصیل موسسه هنر ترسون زاده است. او به تازگی عالی‌ترین نشان هنری تاجیکستان را برای بازی در همین فیلم دریافت کرد؛ افتخاری که نشانه جایگاه اثر در میان اهالی فرهنگ تاجیکستان است.

زبانی جهانی برای قصه‌ای انسانی

«ماهی در قلاب» در ظاهر فیلمی کودکانه است، اما لایه‌های زیرینش درباره عشق، بخشش و بازگشت به ریشه‌ها سخن می‌گوید. در دورانی که مرزهای فرهنگی گاه میان ملت‌ها دیوار می‌کشند، این فیلم تصویری تازه از سینمای منطقه ارائه می‌دهد؛ سینمایی که با زبان مشترک فارسی و مفاهیم انسانی، از دوشنبه تا تهران و از آنجا تا جهان امتداد یافته است.



گفت‌وگو با محی‌الدین مظفر، کارگردان تاجیک فیلم «ماهی در قلاب»

روایت مشترک از درد و امید

این فیلم سر آغاز فصلی تازه در دوستی فرهنگی ایران و تاجیکستان است

محی‌الدین مظفر از آن هنرمندانی است که مسیرش را با صحنه تئاتر آغاز کرده و از همان‌جا به جهان تصویر قدم گذاشته است. او در گفت‌وگو با هفت صبح از روزهایی می‌گوید که از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ در تئاتر دولتی تاجیکستان به عنوان بازیگر فعالیت می‌کرد و بعد، بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ به مقام کارگردانی همان مجموعه رسید. از سال ۲۰۱۵ دوربین را به دست گرفت و تا امروز هشت فیلم بلند و چند فیلم کوتاه ساخته است. خودش می‌گوید: «همه چیز از تئاتر شروع شد. در نمایش‌های گوناگون بازی کردم؛ از شاه لیر تا قابیل. همان تجربه‌ها پایه‌ای شد برای نگاه من در سینما.»

پیوندی فرهنگی که از فجر آغاز شد

مظفر از جشنواره بین‌المللی فیلم فجر به عنوان نقطه آغاز همکاری‌های سینمایی میان تاجیکستان و ایران یاد می‌کند. دو سال پیش با حضور در این جشنواره توانست توجه مدیران شبکه‌ای فیلم را جلب کند. او می‌گوید: «بعد از نمایش فیلمم در جشنواره از کارهایمان استقبال شد و همین آشنایی سر آغاز ارتباطی شد که به ساخت فیلم ماهی در قلاب انجامید. جشنواره‌ها تنها برای رقابت نیستند؛ پلی هستند میان هنرمندان کشورهایی که زبان و فرهنگ مشترک دارند. تاجیک‌ها و ایرانی‌ها در حقیقت از یک ریشه‌اند، از یک درخت فرهنگی که فقط به دلیل سیاست‌های گذشته از هم فاصله گرفته بودند.»

از تفاهم فرهنگی تا همدلی در صحنه

فیلم ماهی در قلاب با تهیه‌کنندگی مشترک امیر تاجیک و خود مظفر ساخته شده و نتیجه همکاری گروهی از سینماگران ایرانی و تاجیک است. مظفر درباره فضای کار توضیح می‌دهد: «از همان روزهای نخست ضبط، دوستان ایرانی ما با جدیت و صمیمیت در صحنه حضور داشتند. آقای امیر تاجیک شخصاً در لوکیشن شهر بوستان حضور پیدا کردند. این حضور نشانه اهمیت این پروژه برای دو طرف بود و به ما دلگرمی می‌داد.» او از بازیگر ایرانی فیلم، شهلا رحیمی، نیز با احترام یاد می‌کند: «خانم رحیمی نقش مادری دلیر را بازی کردند. در صحنه هیچ تفاوتی میان بازی او و بازیگران تاجیک احساس نمی‌کردیم. او به معنای واقعی در نقش یک زن تاجیک زندگی کرد و همدلی‌اش با فضای کار تحسین‌برانگیز بود.»

قصه‌ای برآمده از زندگی کودکان بی‌پناه

مظفر از علاقه‌اش به کودکان و دغدغه اجتماعی خود چنین می‌گوید: «در چند سال اخیر توجه من به زندگی کودکان پرورشگاهی جلب شد. روزی به مدرسه‌ای در شهر بوستان رفتم که ۱۱۸ کودک بی‌سرپرست در آن زندگی می‌کردند. چند ساعت با آنها بودم و قصه‌هایشان قلم را تکان داد. همان روز تصمیم گرفتم فیلمی درباره آنان بسازم.» او روایت انتخاب بازیگران خردسال را سخت‌ترین مرحله کار می‌داند: «سه ماه در سراسر تاجیکستان گشتیم و از میان ۱۸۰۰ کودک، دوازده نفر را انتخاب کردیم. همه از مدارس شبانه‌روزی بودند. نقش اصلی، پسرکی به نام دلیر، نتیجه همین جست‌وجوی طولانی است.»

بازتاب جهانی یک درد انسانی

به گفته مظفر، فیلمنامه ماهی در قلاب درباره کودکی است که در جست‌وجوی مهر مادر است و مادری که به دلیل یک خطا، شادی را از زندگی خود دور کرده است. او باور دارد این موضوع مرز نمی‌شناسد: «قصه ما محدود به تاجیکستان یا ایران نیست. این داستان انسان است؛ داستان کودکی که قربانی اشتباه بزرگ‌ترا شده است. هر پدر و مادری در هر گوشه دنیا می‌تواند با این روایت هم‌دردی کند. گناه والدین، داغی است که بر دل فرزندان می‌ماند.» او تأکید می‌کند که هدفش از ساخت فیلم، آگاهی‌بخشی به والدین و جامعه است: «می‌خواستم به جهانیان نشان دهم که بی‌مبختی چه بهایی دارد. این فیلم همداری است درباره مسئولیت در برابر کودکان. دلیر و معلمش شخصیت‌های خیالی نیستند؛ الهام‌گرفته از زندگی واقعی بچه‌هایی‌اند که در پرورشگاه‌ها بزرگ می‌شوند.»

همکاری بی‌مرز و امید به آینده

کارگردان تاجیک از تجربه همکاری با گروه ایرانی احساس رضایت می‌کند: «میان ما هیچ سوءتفاهم یا فاصله‌ای نبود. از نظر نگاه هنری و فلسفه زندگی، ایرانی‌ها و تاجیک‌ها به هم بسیار نزدیک‌اند. ما زبان مشترک داریم، شعرها و ادبیاتمان از یک سرچشمه می‌آید. این نزدیکی فرهنگی سبب شد پروژه بدون تنش پیش برود.» او درباره هدف اصلی این همکاری می‌گوید: «می‌خواستیم پلی میان دو ملت برپا کنیم ماهی در قلاب فقط یک فیلم نیست؛ نمادی از بازگشت دو فرهنگ به هم است. ما تصمیم داریم این فیلم را در تاجیکستان، ایران، روسیه و دیگر کشورهای آسیای میانه اکران کنیم تا پیامش گسترده‌تر شنیده شود.»

نگاهی تازه به سینمای تاجیکستان

مظفر سینمای تاجیکستان را در آستانه جهشی تازه می‌بیند و باور دارد که زمان تلاشی برای همکاری‌های فرهنگی فرا رسیده است. او می‌گوید: «سینمای تاجیکستان در حال پوست‌اندازی است. ما در مرحله‌ای قرار داریم که باید خودمان را به جهان معرفی کنیم. همکاری با ایران فرصتی است برای دیده‌شدن و یادگیری. سینمای ایران تجربه و زبان جهانی دارد و حضور هنرمندان ایرانی در کنار ما به رشد سینمای تاجیکستان کمک می‌کند.» او ادامه می‌دهد: «در کشور من نسل تازه‌ای از فیلم‌سازان جوان در حال ظهور است؛ نسلی که نگاه انسانی و شاعرانه به زندگی دارد. اگر این جریان با همکاری کشورهای فارسی‌زبان همراه شود، می‌توانیم چهره تازه‌ای از فرهنگ مشترکمان به دنیا نشان دهیم. باور دارم که ماهی در قلاب آغازی است برای این مسیر.»

پایان سخن: امیدی که در دل «ماهی در قلاب» می‌نید

در پایان گفت‌وگو، محی‌الدین مظفر با لحنی آرام و پرامید می‌گوید: «ماهی در قلاب قصه درد است و رهایی. قصه کودکانی که در چهار دیوار پرورشگاه زندگی می‌کنند و هنوز در انتظار نوری از مهرند. این فیلم برای همه ساخته شده؛ برای بزرگسالانی که شاید روزی خطا کرده‌اند و برای کودکانی که هنوز چشم به راه عشق‌اند.» او اعتقاد دارد سینما زبان مشترک انسان‌هاست: «وقتی فیلمی از دل درد واقعی برمی‌خیزد، مرزها را می‌شکند. امیدوارم ماهی در قلاب بتواند دل‌ها را به هم نزدیک کند، همان‌گونه که ما را در ساختن به هم نزدیک کرد.»



همه چیز از یک برنامه گفت‌وگو محور در فضای مجازی آغاز شد که در آن دو کارشناس از دو طیف سیاسی مختلف، در حال تجزیه و تحلیل شرایط و چالش‌های کنونی جامعه بودند. برنامه‌ای که در بخشی از آن یکی از کارشناسان، از «اتاق ۲۳ نفره‌ای در مجلس» سخن گفت که بر روی میز آن پرونده‌ای برای بررسی سازو کار تدوین مجموعه‌ای به‌نام «سازمان ملی مهاجرت» قرار داشت. وی همچنین در این زمینه مدعی شد که دولت لایحه‌ای ۱۱ ماده‌ای را به مجلس فرستاده است تا سازوکاری قانونی را برای ساماندهی موضوع مهاجرت، پیگیری و اجرا کند. ماجرا اما وقتی حساس تر شد که این کارشناس ادعا کرد که در یکی از بندهای این لایحه، به اتباع این اجازه داده شده تا در صورت ازدواج دائمی یا حتی صیغه کردن یک زن ایرانی، بتوانند تابعیت کشورمان را بگیرند و به دنبال آن، حق معامله و خرید و فروش ملک را هم داشته باشند. این ادعا در حالی مطرح می‌شد که شرایط اقتصادی و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی سبب نشوند تا ازدواج یا اتباع خارجی به‌ویژه اتباع افغانستانی، چالش‌هایی را از نظر قانونی، حقوقی، هویتی و فرهنگی پیش روی این ازدواج‌ها بگذارد؛ به‌طوری که فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها با مصائب وضعیت تابعیت، شناسنامه، امکان بهره‌مندی از خدمات عمومی و حتی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی بر چسب زده به اتباع در گیر بودند و با آن دست و پنجه نرم می کردند.

تکرار یک سناریو، اینبار در روزنامه

اما آنچه باعث شد تا این ماجرا رنگ و بویی جنجالی به‌خود بگیرد سرمقاله‌ای بود که روزنامه جمهوری اسلامی، آن را منتشر کرده و در آن ادعا شده بود که «دست‌هایی خاص» در مجلس شورای اسلامی این لایحه ۱۱ ماده‌ای را به حدود ۷۰ ماده رسانده‌اند. بنابر ادعای این روزنامه، در این طرح برخی تسهیلات ویژه برای اتباع خارجی در نظر گرفته شده بود که در نوع خود بی سابقه هستند. مثلا نویسنده این سرمقاله مدعی شده بود که براساس یکی از بندهای این طرح، در صورت ازدواج اتباع غیرمجاز یا مجاز با زن ایرانی (چه به صورت دائم و چه صیغه‌ای) قرار است به وی تابعیت ایران اعطا شده و امکان مالکیت املاک غیر منقول داده شود و حتی در صورت ارتکاب جرمی در کشورمان و عدم امکان پرداخت جرائم و دیه حاصل از جرم و جنایت، این مبلغ خسارت باید از محل بیت‌المال، به‌جای آنها پرداخت شود.

لایحه سازمان ملی مهاجرت باشا بیعت تابعیت اتباع از طریق ازدواج، واکنش‌های حقوقی و سیاسی ایجاد کرده است

تابعیت پرابهام

قانون کنونی در ایران، انتقال تابعیت را فقط از طریق ازدواج رسمی و شرایط مشخص مجاز دانسته است

شهرزاد باباعلی پور
هفت صبح

اواخر سال ۱۴۰۲ بود که وزیر کشور اعلام کرد مهاجران غیر قانونی باید از کشور خارج شوند و آن‌هایی که قانونی هستند و ویزا دارند، ساماندهی می شوند. درست همان زمان بود که دستور تشکیل سریع تر سازمان ملی مهاجرت نیز صادر شد. روی اصلی این اخبار با مهاجران غیر قانونی افغانستانی بود که ساماندهی آنها در چند دهه گذشته سرعتی حلزونی داشت تا اینکه جنگ ۱۲ روزه تکلیف را روشن کرد و در واکنشی سریع، یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از اتباع غیر مجاز افغانستانی به کشور هایشان بازگردانده شدند. اما حالا در شرایطی که انتظار می‌رفت ساماندهی مهاجران دغدغه اصلی طراحان تشکیل سازمان ملی مهاجرت باشد، درج خبری درباره مفاد لایحه مزبور که گویا در مجلس در دست بررسی است، موجی از نگرانی را میان فعالان و کارشناسان حوزه‌های اجتماعی و حقوقی به راه انداخت.

کشورمان به شکل رسمی داده شود. من واقعا فلسفه این لایحه را نمی دانم و فقط امیدوارم این مسئله در حد یک شایعه باشد چرا که اصل بر این است که مجلس باید با تصریح قوانین از مصالح، منافع، اعتبار و حیثیت مسرد دفاع کند و واضح قوانینی باشد که اوضاع مردم رو به پیشرفت برود و نه پس رفت! معلوم نیست که پشت پرده پیشنهاد چنین مواردی چه می گذرد اما اگر واقعیت هم داشته باشد، امیدواریم که اساسا چنین مواردی در مجلس رای نیاورد.

قانون تابعیت اتباع چه می گوید؟

اما برای آنکه بتوان بهتر در مورد تغییرات قوانین مرتبط با اعطای تابعیت به اتباع اظهار نظر کرد بهتر است ابتدا نگاهی داشته باشیم به شرایط کنونی تابعیت در ایران عبارتند از اول: همه کسانی که در ایران متولد شده و پدر آن‌ها ایرانی است، تابعیت ایرانی دارند. دوم: افرادی که در ایران متولد شدند و معلوم نبوده پدرشان چه کسی بوده است، تابعیت ایرانی دارند. سوم: افرادی که در ایران از پدر و مادر خارجی متولد شدند و یکی از آن‌ها، پدر یا مادر در ایران متولد شده‌اند، تابعیت ایرانی دارند. چهارم: زنان خارجی که با مردان ایرانی ازدواج کردند و به‌طور خودکار تابعیت ایران را به‌دست می آورند.

از سویی تا پیش از این، تابعیت فرزندان فقط از پدر منتقل می شد اما در سال ۱۳۹۸ تغییراتی در قانون ایجاد

شد که بر اساس آن فرزندان زنان ایرانی که با مردان غیر ایرانی ازدواج کردند نیز تابعیت ایرانی به‌دست آوردند و بدین ترتیب تابعیت از طریق مادران هم منتقل شد. نکته‌ای که در اصلاحیه سال ۹۸ باز هم بر آن تصریح شده است حاکی از آن است که اتباع حتی در صورت ازدواج به صورت «رسمی»- و نه به شکل موقت و صیغه‌ای - نیز نمی توانستند تبعه ایران شوند مگر اینکه مشمول شرایط خاصی که در قانون ذکر شده است، باشند. بنابراین به نظر می‌رسد تکلیف قانونی برای ازدواج اتباع با زنان ایرانی، با همین قوانین موجود هم به خوبی روشن است. اما چالش دیگری که در بحث اتباع وجود دارد مربوط به قوانین مالکیت است که در این خصوص نیز به نظر می‌رسد قانون تکلیف را کاملا روشن کرده است. مطابق اصل ۸۱ قانون اساسی و ماده ۸ قانون مدنی، اتباع خارجی نمی توانند به صورت مطلق اموال غیرمنقول بشوند مگر در مواردی خاص. به طور مثال حق مالکیت برای اتباع در نقاط مرزی، جنگل‌ها و مزارع وجود ندارد. در مورد موارد «خاص» نیز آنگونه که در قانون آمده، اتباع در موارد ضروری و در صورت تصویب هیئتوزیران می توانند به اندازه رفغ نیاز خودشان مالک یک آپارتمان شوند. این موارد نشان می‌دهد که قانون کنونی، تلاش کرده تا شرایط را برای اینکه اتباع خارجی صاحب اموال غیر منقول شوند دشوار کند.

سر نخ‌ی از کار گروه مشترک...

بدین ترتیب با وجود صراحت کنونی لحن قانون در برابر موضوعات تابعیت و مالکیت اتباع خارجی، این سوال همچنان باقی است که مجلس در بررسی لایحه «سازمان ملی مهاجرت» به دنبال چیست و آیا اخبار منتشر شده در این زمینه صحت دارد؟ «هفت صبح» برای بررسی حقایق پشت پرده به سراغ محمد صالح جوکار، نماینده مردم اردی اشکذر و ندوشن رفته است و ریاست کمیسیون مشترک بررسی لایحه «اساسنامه سازمان ملی مهاجرت» رفته است. این نماینده با اظهار اینکه بعضی روزنامه‌ها خواننده ندارند و دنبال جلب مشتری هستند» بالحنی تند بر تمام اطلاعات روزنامه مطرح جمهوری اسلامی خط بطلان می کشد و آن را کذب محض می خواند. وی با ذکر اینکه هنوز لایحه «اساسنامه سازمان ملی مهاجرت» توسط کار گروه مربوطه در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است می گوید: تاکنون نتایج نهایی بررسی‌ها کار گروه مربوطه و اصل لایحه به کمیسیون مشترک نیاوده و جلسه‌ای هم برگزار نشده است.

جوکار که اصرار دارد در «کار گروه» عضو نیست و منتظر جلسه ارائه بررسی‌ها است تاکید می کند؛ آنچه عده‌ای



لپ تاپ و انگار بخواهم با کسی در آن سوی مونیتر صحبت کنم، گفتم بابا آخه از کجا فهمیدی که من دارم چکار می کنم؟ نکند دارید من را می بینید! مکنی می کند تا واکنش من را ببیند. برای اینکه چیزی گفته باشم می گویم: ولی شاید اتفاقی بوده باشد! زن اما حاضر نیست این پیسخ را بپذیرد چون جواب می دهد: نه آقا... تاالان چندین بار این اتفاق به شیوه‌های مختلف برای من تکرار شده است. دیگه مطمئن هستم که زیر ذره بین هستم. می گویم: پس حتما شاید پست و سمت حساسی دارید که رصدتان می کنند. زن که انگار شوخ طبعی اش کل کرده می گوید: نه بابا... من خانه دار هستم. رشته تحصیلی ام هم جامعه شناسی است. همسر هم وکیل ملک و املاک است. کلا کاری با کسی نداریم. ولی واقعا نمی دانم چرا باید زیر ذره بین باشیم! رادیو دوباره خبری در مورد اطلاع داشتن از وقایع جهان بیرامون صحبت می کرد. زن دوباره انگار سوزهای برای صحبت کردن پیدا کرده باشد می گوید: به نظر من این موضوع واقعا درست است. آدم در هر شغل و با هر سطح سوادی باید تلاش کنه تا از حوادث و چیزهایی که در جهان اتفاق می افته با خبر باشه البته همونطور که گفتن من سعی می کنم تا با استفاده از کتاب‌های صوتی

این کار رو بکنم. الان عصر، عصر فضای مجازی به. شما می تونید با به دانلود ساده هر کتابی رو که می خواهید گوش کنید. اما نمی دونم چرا ما ایرانی ها سعی نمی کنیم از این قابلیت استفاده کنیم؟ من در این چند سالی که کتاب‌های مختلف را گوش می کنم، واقعا اطلاعاتم افزایش پیدا کرده. من عاشق مردم و تجزیه و تحلیل رفتارهای اون‌ها هستم. برای همین هم هست که جامعه شناسی خوندم. چون مردم هر کدام یک کتاب نانوشته هستند. اگر مردم رو بشناسید، می تونید تحلیل‌های درست‌ی در مورد جامعه‌ای که در اون زندگی می کنید داشته باشید. اون وقت نگاهتون به زندگی عوض می شه. «همین جاییه می شوم...» این رازن می گوید. به پایان سفرمان رسیده ایم. موقع پیاده شدن تشکری می کند و قبل از خداحافظی می گوید: شما هم کارتان سخت است چون با مردم ارتباط مستقیم دارید. امیدوارم از این فرصت استفاده کنید. چون می تونید رفتارشناس خوبی باشید و حتی از این طریق زندگی تون رو متحول کنید! زن که پیاده می‌شود به حرف‌هایش فکر می‌کند. تاکنون از این بعد به کارم نگاه نکرده بودم. اینکه مسافر کشی می‌تواند دانشگاهی باشد برای یادگیری بسیاری از درس‌های زندگی. اگر ببینیم و از کنار این بر خوردها و تجارب مسافران به سادگی گذر نکنیم.

کشورها، امکان این را دارند که همه تحرکات تک تک مردم جهان را رصد کنند. به نظرم این بعید هم نیست. حتی خودم هم تجربه آن را داشته‌ام! با تعجب می‌پرسم: چطور؟ یعنی شما را هم رصد کرده‌اند؟ لبخندی می‌زند و با سر جواب مثبت می‌دهد و می‌گوید: چند روز قبل داشتم تو آشپزخانه لوبیا پلو در دست می‌کردم. من عادت دارم هنگام انجام کارهای خانه از طریق لی تاپ، کتاب‌های صوتی را گوش کنم. کتاب‌های مختلف. از کتاب‌های داستان و رمان گرفته تا کتاب‌های جامعه‌شناسی و هنری و سیاسی و تاریخی و... آن روز هم داشتم همزمان با آشپزی، یک کتاب صوتی گوش می‌دادم. بعد از تمام شدن کارم رفتم تاسری به یک سایت در اینترنت بزنم. معمولا خیلی وقت‌ها قبل از ورود به سایت‌ها تبلیغات در صفحه بالا می‌آید. آن روز هم همین‌طور شد. منتهی فکر می‌کنید تبلیغی که برای من بخش شد چی بود؟ ابرویی بالا می‌اندازم و می‌گویم: نمی‌دونم والله. در مورد همین شتود و این جور چیزها بود؟ خنده ریزی می‌کند و می‌گوید: شاید باورتان نشود اما تبلیغی که برای من گذاشته بودند در مورد درست کردن لوبیا پلو بود! اصلا خشکم زده بود. رفتم جلوی دوربین

کشورها، امکان این را دارند که همه تحرکات تک تک مردم جهان را رصد کنند. به نظرم این بعید هم نیست. حتی خودم هم تجربه آن را داشته‌ام! با تعجب می‌پرسم: چطور؟ یعنی شما را هم رصد کرده‌اند؟ لبخندی می‌زند و با سر جواب مثبت می‌دهد و می‌گوید: چند روز قبل داشتم تو آشپزخانه لوبیا پلو در دست می‌کردم. من عادت دارم هنگام انجام کارهای خانه از طریق لی تاپ، کتاب‌های صوتی را گوش کنم. کتاب‌های مختلف. از کتاب‌های داستان و رمان گرفته تا کتاب‌های جامعه‌شناسی و هنری و سیاسی و تاریخی و... آن روز هم داشتم همزمان با آشپزی، یک کتاب صوتی گوش می‌دادم. بعد از تمام شدن کارم رفتم تاسری به یک سایت در اینترنت بزنم. معمولا خیلی وقت‌ها قبل از ورود به سایت‌ها تبلیغات در صفحه بالا می‌آید. آن روز هم همین‌طور شد. منتهی فکر می‌کنید تبلیغی که برای من بخش شد چی بود؟ ابرویی بالا می‌اندازم و می‌گویم: نمی‌دونم والله. در مورد همین شتود و این جور چیزها بود؟ خنده ریزی می‌کند و می‌گوید: شاید باورتان نشود اما تبلیغی که برای من گذاشته بودند در مورد درست کردن لوبیا پلو بود! اصلا خشکم زده بود. رفتم جلوی دوربین

حرفه‌ای به مثابه یک دانشگاه

از یکی از خیابان‌های فرعی منتهی به اشرفی اصفهانی سوار شده و می‌خواهد به خیابانی در شهید عراقی برود. خانومی حدود ۳۵ ساله که دستکش یکبار مصرفی که فقط بر یک دستش دارد، نشان از وسواسش دارد. همین که در ا می‌بندد، شروع به صحبت می‌کند. از تجربه‌اش در سوار شدن به یک ماشین اشتباهی در چند روز قبل و اینکه مجبور شده بود دوباره برگردد به مبدا و به همین دلیل هم، قرارش را از دست داده بود. می‌گوید: حواس آدم این روزها آنقدر پرت است که اصلا متوجه اطرافش نیست و این خطرناک است. رادیو دارد خبری در مورد امکان شنود تماس‌ها و مکالمات شهروندان از طریق تلفن همراه را پخش می‌کند. زن انگار نکته جالبی یادش آمده باشد می‌گوید: واقعا درست است. من خیلی وقت‌ها حس می‌کنم تلفنم در حال شنود است. البته الان دنیا خیلی پیشرفت کرده است. حتی چند روز قبل مطلبی را در اینترنت خواندم که در آن نوشته بود: برخی از

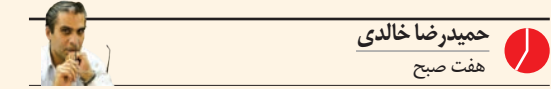
یادداشت یک استپی



گزارش

پیشنهاد شهرداری

برای دور زدن طرح ترافیک



حمیدرضا خالدي

هفت صبح



چند روز قبل معاون بهره‌داری از سیستم‌های حمل و نقل و محدوده‌های ترافیکی سازمان حمل و نقل و ترافیک شهر تهران اعلام کرده بود که پیش خرید (رزرو) طرح ترافیک به صورت روزانه یا خرید بسته‌های ترافیکی، از افزایش هزینه شهروندان جلوگیری کرده و مبلغ پرداختی برای تردد در محدوده‌های طرح ترافیک را تا ۵۰ درصد کاهش می‌دهد. خبری که با واکنش‌های فراوانی همراه بود چرا که کارشناسان معتقد بودند در شرایطی که قرار است طرح ترافیک عاملی بازدارنده برای ورود خودروها به مرکز شهر و کاهش ترافیک و آلودگی هوا باشد، اجرای چنین طرح‌هایی عملا کارکرد طرح ترافیک را زیر سوال می‌برد.

وعده شهرداری برای کاهش هزینه‌های یک طرح

روزانه حدود ۱۲۰ هزار خودرو به محدوده طرح‌های ترافیکی پایتخت تردد دارند که بین ۱۰ تا ۲۰ درصد ورود غیرمجاز وسایل نقلیه به این محدوده توسط دوربین‌ها ثبت می‌شود. حالا آرش رسا ایزدی، معاون بهره‌برداری از سیستم‌های حمل و نقل و محدوده‌های ترافیکی سازمان حمل و نقل و ترافیک شهر تهران با ذکر اینکه بی‌توجهی به قوانین تردد مجاز، علاوه بر اینکه هزینه‌های شهروندان را افزایش می‌دهد، بلکه برای آنها در موقع نقل و انتقال خودرویشان هم مشکل ایجاد می‌کند، گفته: بهتر است شهروندان پیش از هر ورود به محدوده طرح، نسبت به تهیه مجوز ورود به آن محدوده اقدام کنند.

وی با بیان اینکه شهروندان با رزرو کردن طرح باعث جلوگیری از ورود مجوز غیرقانونی و بی‌ضابطه خودروها به مرکز شهر می‌شوند، مدعی شده که این امر به شهرداری تهران کمک می‌کند تا با داشتن اطلاعات دقیق‌تر از ورود و خروج خودروها، برنامه‌ریزی بهتری برای نظم‌دهی به خیابان‌های مرکزی شهر و در نتیجه کاهش ترافیک و آلودگی‌های ناشی از ازدحام خودروها داشته باشد. وی با همین استدلال اعلام کرده که در همین راستا و برای تشویق شهروندان، مبلغ پرداختی برای رزرو تردد در محدوده‌های طرح ترافیک تا ۵۰ درصد کاهش پیدا خواهد کرد.

انتقاد به یک طرح غیر کارشناسی

این خبر اما بعد از اینکه طی چند روز گذشته به سرعت در فضای مجازی منتشر شد، با واکنش‌هایی از سوی برخی کارشناسان و اعضای شورای شهر همراه شد. سید جعفر تشکری هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورای شهر تهران به عنوان یکی از منتقدان سیاست اخیر شهرداری در حوزه ترافیک و هزینه‌کرد منابع شهری در صحن شورا گفت: در حالی که شهر در آستانه نرو‌های آلوده پاییزی قرار دارد، برخی تصمیمات و اطلاعیه‌های غیر کارشناسی نه تنها کمکی به کاهش آلودگی و ترافیک نمی‌کند، بلکه موجب نارضایتی مردم و اتلاف منابع عمومی شده است. وی با ذکر اینکه در مهرماه، پدیده ترافیک برای مردم تهران پدیده‌ای آشناست و شهروندان هر سال با این مشکل گرفتار هستند، گفت: به دنبال ترافیک، در این فصل آلودگی هوا نیز ایجاد می‌شود و باید از هم اکنون انتظار روزهای آلوده را داشته باشیم. هر سال در همین ماه‌ها و روزها دولت ناچار می‌شود ادارات و مدارس را به دلیل آلودگی تعطیل کند و متأسفانه تازه در آن زمان است که به یاد مشکل آلودگی هوا می‌افتیم.

وی سپس به طعنه در مورد عملکرد مدیریت شهری گفت: باید تا جایی که می‌توانیم، زمان را به درستی مدیریت کنیم تا مردم احساس کنند که گامی به جلو برداشته ایم؛ اما با این وجود هنوز در گام‌های ابتدایی متوقف مانده‌ایم و اقدامات خاصی در حوزه آلودگی هوا و ترافیک انجام نشده است.

رئیس کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای شهر با انتقاد از عملکرد متناقض شهرداری در مواجهه با این پدیده گفت: در همین زمان، برخی از همکاران در اثر بی‌توجهی و بی‌تجربگی کارهایی می‌کنند که نمک بر زخم مردم می‌باشند، چند روز پیش سازمان ترافیک اطلاعیه عجیبی منتشر کرد و در آن توضیح داد که چگونه می‌توان با کمترین هزینه وارد طرح ترافیک شد؛ در واقع راهکاری برای ورود ارزان‌تر به محدوده طرح ترافیک ارائه داده است.

تشکری هاشمی گفت: هدف ما از اجرای طرح ترافیک در ۴۵ سال گذشته این بود که مردم کمتر وارد این محدوده شوند و تمایل کمتری به خرید طرح داشته باشند؛ اما چنین اطلاعیه‌ها و خبرهایی نشان‌دهنده تفکر درآمذایی بیشتر شهرداری است. به گفته وی این تصمیم در حالی اتخاذ شده که اعضای شورا از آن اطلاعی نداشته‌اند و هنوز هم شهرداری توضیحی در مورد آن ارائه نداده است. این تصمیم در حالی اتخاذ شده که شهرداری پیش از این اعلام کرده بود که در مهرماه سهمیه ۲۰ روزه مجاز طرح ترافیک اعمال نمی‌شود.

ساینتواز امه ژاکه الگو گرفت

حذف رامین رضاییان از ترکیب استقلال به روش فرانسوی!



امه ژاکه سرمربی شهر فرانسوی جملہ معروفی داشت و می گفت: «بازیکنانی که نتوانند خود را با تاکتیک تیمی وفق دهند، باید از آن تیم حذف شوند!»

زمانی که امه ژاکه سرمربی وقت فرانسه اسامی نفرات دعوت شده به تیم ملی فرانسه برای بازی در جام جهانی ۱۹۹۸ را اعلام کرد، خبری از اریک کانتونا ستاره منچستر یونایتد و خروس ها (لقب تیم ملی فرانسه) در آن دیده نمی شد!

ژاکه دو سال قبل تر هم از کانتونا برای حضور در رقابت های یورو دعوت بسه عمل نیاورده بود. با حذف فرانسه در یک چهارم نهایی جام ملت ها، خیلی ها علیه تصمیمات اِیسن مربی موضع گرفتند. جام جهانی، آن هم در فرانسه، چیزی نبود که مربی متفکر فرانسوی با آن شوخی کند. او می دانست اگر در جام جهانی ۱۹۹۸ و در خاک فرانسه هم نتیجه نگیرد چه عاقبتی در انتظارش خواهد بود اما به جای اریک کانتونا از زین الدین زیدان جوان دعوت کرد تا برای تیم ملی بازی کند.

همه فرانسوی ها و حتی فوتبالدوستان دنیا امه ژاکه را یک دیوانه خواندند که با دست خودش تیم ملی این کشور را خلع سلاح کرده است. با این وجود فرانسه در آن جام در گروه سوم قرار گرفت و بالاتر از دانمارک، با افریقای جنوبی و عربستان سعودی به مرحله یک هشتم نهایی صعود کرد. در اولین دوره جام جهانی که با ۳۲ تیم برگزار می شد، فرانسه در یک هشتم

به مصاف پاراگوئه رفت. آنها در این مرحله چیلورت و یارانش را با یک گل شکست دادند و به یک چهارم نهایی راه پیدا کردند. در ادامه فرانسه موفق شد ایتالیای چزاره مالدینی را در یک چهارم نهایی و کرواسی را در نیمه نهایی شکست داده و برای اولین بار به فینال جام جهانی صعود کند. تیم جوان امه ژاکه بدون ستاره تک نواز خود اریک کانتونا در فینال هم توفانی ظاهر شده و موفق شد تیم پرستاره اما از هم گسیخته برزیل با هدایت ماریو زاگالو با نتیجه ۳ بر صفر در هم کوبیده و جام جهانی را فتح کند.

با این یادآوری بلند بالا می خواستیم به تصمیم اخیر ریگاردو ساینتوا اشاره کنیم؛ کم نیستند کارشناسانی که در فوتبال ایران معتقدند رامین رضاییان بیشتر از وظایف دفاعی و تیمی علاقه مند است به عنوان مدافع راست پیشروی کند و به حریف گل بزند. او ستاره محبوبی است اما معمولاً از وظایف دفاعی خود غافل می شود و بر همین اساس ساینتو تصمیم گرفت شماره ۱۰ خود را در دیدار اخیر بر ماس رفسنجان نیمکت نشین کند.

حال خبر می رسد مرد پر تغالی این تصمیم خود را برای بسازی آینده استقلال مقابل الومینیوم اراک هم تمدید کرده و قصد ندارد از عربستان سعودی به مرحله یک هشتم نهایی تبدیل شد که او به این تبدیل قرار اعتراض کرد. رسیدگی به این موضوع در دادگاه ادامه دارد.

کلاهبرداری اینستاگرامی در پوشش فروش کفش و کتانی



فرمانده انتظامی شهرستان ری از دستگیری کلاهبردار حرفه ای اینترنتی که در فضای مجازی اقدام به فروش کفش و کتانی می کرد، خبر داد.

سرهنگ حسین مافی در تشریح این خبر بیان داشت: در این میان فردی مبلغ ۵۵۵ میلیون ریال در قبال خرید کالا واریز کرده بود که مبلغ مذکور توسط پلیس فتا مسدود و به خریدار برگردانده شد.

وی افزود: موضوع از این قرار بود که فردی در فضای مجازی اینستاگرام که با شکرگرد فروش کفش و کتانی اقدام به کلاهبرداری می کرد و بعد از قبول سفارشات خریداران و واریز مبلغ به حساب ایشان هیچ جنسی برای آن ها ارسال نمی شد که این موضوع در دستور کار

ماموران پلیس فتا شهرستان ری قرار گرفت. این مقام انتظامی گفت: عوامل پلیس فتا شهرستان ری با رصد فضای مجازی موفق به دستگیری متهم شدند. فرمانده انتظامی شهرستان ری گفت: پس از دستگیری کلاهبردار و انجام تحقیقات، متهم لب به اعتراف گشود و به ۱۵ فقره کلاهبرداری اعتراف کرد که در این خصوص تاکنون ۱۱ مالباخته شناسایی شدند.

سرهنگ مافی در پایان ضمن توصیه به تمام شهروندان جهت جلوگیری از هر گونه معاملات غیر حضوری منجر به کلاهبرداری و آگاهی کامل از احراز هویت خریدار یا فروشنده، اعلام کرد: متهم جهت سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی شهرستان ری دالالت داده شد.

رخداد

فرشاد پیوس: برانکو می آمد خود اولین نفر به استقبال اومی رفت!

کاش رضادرویش زودتر از پرسپولیس می رفت

اولتیماتوم هیئت مدیره، کار هاشمیان را سخت تر می کند

من از گاریدو و کار تال که بد تر نتیجه نمی گرفتم!



به اعتقاد من رضا درویش خودش از باشگاه پرسپولیس نرفت و وادار به این کار شد

یعنی شما معتقدید کار کردن در دسته های پایین تر به اعتبار فرشاد پیوس لطمه زده است؟

نه که زنده من تجربه صعود به دسته بالاتر را دارم. ادعا نمی کنم اما هر جایی کار کردم نتایج معقول و مطلوبی گرفته ام و به اندازه کافی هم تجربه کسب کرده ام اما همانطور که گفتم به من فرشاد پیوس نیمکت پرسپولیس را تعارف نمی زنند. البته حرف من چیز دیگری است و اگر برانکو به تهران و پرسپولیس می آمد خودم اولین نفر به استقبالش می رفتم!

جداً؟!

بله، من پرسپولیس هستم و سال ها برای تیم محبوبم عرق ریخته ام. برانکو یک مربی باتجربه و سرد و گرم چشیده و کارنامه اش در پرسپولیس کاملاً روشن و مشخص است. من می گویم اگر قرار است کسی سرمربی پرسپولیس شود، باید مثل برانکو تجربه و افتخار داشته باشد.

اما برانکو این پیشنهاد را نپذیرفت و اعلام کرد فقط سرمربیگری تیم های ملی را قبول می کند!

به هر حال کار کردن در تیم های باشگاهی مستلزم این است که شما هر روز ساعات زیادی در تمرین حضور داشته باشید و اگر اشتباه نکنم الان برانکو ۷۱ سالگی را هم پشت سر گذاشته و سخت است هر روز یک تیم را تمرین دهد. تیم ملی اما حکایت دیگری دارد و مربیان در فیکادی یا تورنمنت ها اردو می گذارند یا بازی می کنند. بنابراین او پیشنهاد پرسپولیس را نپذیرفت هر چند اقتدر جام گرفته که همه ما پرسپولیسی ها او را دوست داشته باشیم.

به عنوان سوال آخر می خواهیم نظر شما را در خصوص استعفا و جدایی رضا درویش از پرسپولیس بدانیم؟

در این سال ها رضا درویش طولانی ترین مدیریت را در باشگاه پرسپولیس داشته است. او در سال های اخیر مرتکب اشتباهات بزرگی شد و کاش زودتر می رفت تا به این تیم بیشتر کمک کند! به اعتقاد من هم رضا درویش خودش از باشگاه پرسپولیس نرفت و وادار به این کار شد اما تعجب کردم با وجود اعتراض ها و مخالفت هواداران با ادامه مدیریت درویش، باز هم او می ماند و بیه کارش ادامه می داد. به هر حال او رفته و پیمان حدادی جانشین موقت او حتی اگر قرار باشد یک هفته هم مدیرعامل این باشگاه باشد باید با قدرت کار کرده و اشتباهات درویش را تکرار نکند. فراموش نکنیم بالاتر از هر اسمی اسم پرسپولیس است و هر آمدنی یک رفتنی دارد اما چگونه آمدن و چگونه رفتن هم خیلی مهم است.

روز حادثه برزو مقابل خانه بهناز رفته بود تا او را برای ترک اعتیاد به کمپ ببرد. آنها گفتند: «برزومی گفت دختر جوان بهناز که به تازگی با مردی به نام وحید عقد کرده بود نیز اعتیاد دارد و او هم باید برای ترک به کمپ منتقل شود اما دختر بهناز فرار کرده و به داخل پارک مقابل خانه شان رفته بود تا همراه ما نیاید در همان حال برزو منتظر برگشتن او ایستاده بود و پیاده مقابل پارک قدم می زد که ناگهان از سمت پارک تیراندازی شد و گلوله به برزو اصابت کرد

که تیراندازی توسط راننده انجام شده است.» سپس وحید در دفاع از خود گفت: «چیزهایی که راجع به همسر من و مادر زنم گفته شده دروغ محض است. آنها اعتیاد نداشتند و این انگ را برزو وقتی به خواسته هایش نرسید به آنها زد. برزو از آوازش منطقه بود و با زن های خود در ارتباط بود که با از عاب و تهدید با آنها رابطه برقرار می کرد. او از آزار و اذیت اهالی محل دست بر نمی داشت و حتی همسر من را هم نیز آزار و اذیت می کرد. به خاطر همین شرارت هایش هم بود که دشمنان زیادی داشت. این جنایت ممکن است کار هر یک از این افرادی که با برزو خصومت داشتند باشد.»

بعد از آن بهناز در دفاع از خود پای میز محاکمه حاضر شد و گفت: «من نه متعادم و نه حتی تا به حال یک سیگار کشیده ام. برادر من با دخترم سر ناسازگاری داشت و تا حدی او را اذیت کرده بود که دخترم از او می ترسید. شب حادثه برادرم به بهانه اینکه ما را به کمپ ببر، مسراع مان آمده بود که دخترم ترسید و به پارک فرار کرد. برزو نوحه های زیادی داشت که آن شب سراغ ما آمده بودند. این اواخر همسر برزو متوجه ارتباطش با زنان دیگر شده بود و شاید از او کینه به دل گرفته و دستور قتلش را صادر کرده بود.» در انتهای جلسه وکیل هادی گفت: «از میان شهود یک نفر گفته بود که وحید را در حال تیراندازی دیده است. از سبویی مقتول دشمن زیاد داشت و احتمال وقوع جنایت از سوی افراد دیگر نیز وجود دارد.»

قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهمان برای صدور رای وارد شور شدند.

تیراندازی به برزو دیده اند. همچنین شهادت دادند که عامل تیراندازی مرگبار هادی بوده است.

وحید در اولین برخورد با ماموران گفت: «ما اصلاً اسلحه ای نداشتیم که بخواهیم با آن به کسی شلیک کنیم. برزو از اشعار محل بود و به خاطر همین شرارت هایش دشمن های زیادی داشت که احتمال دارد قتل را آنها انجام داده باشند.» در ادامه تحقیقات مشخص شد که بهناز اختلافات دنباله داری با برادرش داشته و ادله ای به دست آمد که او نیز به اتهام همدستی با داماد خود در قتل برادرش بازداشت شد.

با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و متهمان پای میز محاکمه رفتند. بعد از اولین جلسه رسیدگی به دستور قاضی پرونده بار دیگر تحقیقات تکمیلی انجام شد و بعد از آن متهمان بار دیگر در دادگاه به دفاع از خود پرداختند. این در حالی بود که در کیفرخواست صادر شده برای هادی اتهام مباشرت در قتل عمدی صادر شده و بهناز و وحید متهم شدند به معاونت در قتل عمدی.

در دادگاه

در ابتدای جلسه رسیدگی هادی به عنوان متهم ردیف اول پای میز محاکمه ایستاد و در دفاع از خود گفت: «من اتهام را قبول ندارم. نه اسلحه ای داشتم و نه به کسی شلیک کردم.» او ادامه داد: «وحید دوست صمیمی من بود و مدتی بود که با دایی همسرش یعنی مقتول اختلاف داشت. شنیده بودم که برزو برای آنها مزاحمت ایجاد می کرد و دست از سر زندگی خواهرزاده خود بر نمی داشت. این آزار و اذیت ها به حدی زیاد شده بود که وحید تصمیم گرفته بود دست همسرش را بگیرد و برای ادامه زندگی به مشهد برود. قرار بود یکی دو شب دیگر اثاث کشی کنند و من هم برای کمک به آنها آمده بودم. آن شب من و وحید با همدیگر در ماشین نشسته بودیم و من روی صندلی کنار راننده بودم. در حالی که در گزارش اعلام شده

زن جوان به اتهام همدستی در قتل مسلحانه برادر خود پای میز محاکمه رفت

گره کور در قتل مسلحانه دایی

طول کشید که صدای آژیر ماشین پلیس کوچه را پر کرد. همزمان تیم جنایی برای رسیدگی به موضوع از راه رسیدند و مشخص شد برزو مقابل خانه خواهر خود به نام بهناز به قتل رسیده و موقع وقوع جنایت دو برادر دیگر او نیز همراهش بودند. به این ترتیب نخستین کسانی که هدف تحقیقات جنایی قرار گرفتند، برادران برزو بودند.

اولین تحقیقات

برادران برزو در جریان تحقیقات اظهار داشتند که روز حادثه برزو مقابل خانه بهناز مراجعه کرده بود تا او را برای ترک اعتیاد به کمپ ببرد. آنها گفتند: «برزومی گفت دختر جوان بهناز که به تازگی با مردی به نام وحید عقد کرده بود نیز اعتیاد دارد و او هم باید برای ترک به کمپ منتقل شود اما دختر بهناز فرار کرده و به داخل پارک مقابل خانه شان رفته بود تا همراه ما نیاید. در همان حال برزو منتظر برگشتن او ایستاده بود و پیاده مقابل پارک قدم می زد که ناگهان از سمت پارک تیراندازی شد و گلوله به برزو اصابت کرد. برزو قبل از اینکه جان خود را از دست بدهد گفت وحید و دوستش را دیدم که به من شلیک کردند.»

با این اظهارات وحید و دوستش به نام هادی که در شب حادثه همراه او بود، بازداشت شدند اما هر دو نفر منکر جنایت مسلحانه شدند و این در حالی بود که شهود دیگری نیز شهادت داده بودند که وحید و هادی را موقع



فاطمه شیخ علیزاده
دبیر حوادث

دی ماه سال ۱۴۰۱ صدای تیراندازی در یکی از محله های نزدیک بهارستان تهران در دل ساکنین و اهالی محل وحشت انداخت. بلافاصله صدای شیون و بوی خون در کوچه پیچید و در حالی که مرد جوانی به نام برزو به ضرب شلیک گلوله به قتل رسیده بود، چند دقیقه ای بیشتر



